



سیره مالک اشتر

شیخ حسن المہاجر

www.ketab.ir

ترجمہ موسیٰ دانش

المهاجر، جعفر

| مالك الأشر سیره و مقامه في بعلبك، فارسی |

سیره مالک اشتر / جعفر المهاجر؛ ترجمه موسی دانش. - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۹۳.

ISBN 978-964-971-897-2

ص. ۲۰۸

فیبا.

۱. مالک اشتر، - ۳۷ق. ۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - اصحاب. ۳. اصحاب - سرگذشتنامه. الف. دانش، موسی، ۱۳۳۷ - ، مترجم. ب. بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۳۳

BP ۳۴ / ۵ / م ۲ م ۹۵۰۴۱ ۱۳۹۳

۳۶۸۰۳۲۶

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



بنیاد پژوهشهای اسلامی

سیره مالک اشتر

شیخ جعفر المهاجر

ترجمه موسی دانش

ویراسته: مجتبی مجرد

چاپ اول: ۱۳۹۳ / ۱۵۰۰ نسخه، رقعی / قیمت ۷۳۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۳۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۳۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۳۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۵	سخن مترجم
۷	پیشگفتار مؤلف
۱۶	فصل اول: در سیره
۱۶	مقدمه کلی
۲۵	کوفه شهر امام علی <small>علیه السلام</small>
۳۷	از یمن تا کوفه
۵۵	اشتر در کوفه
۷۰	اشتر، امیر کوفه
۷۶	اشتر و انقلاب بر ضد عثمان
۹۲	اشتر با امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۳۵	فصل دوم: پایان اشتر
۱۳۵	پیشگفتار
۱۳۹	راه مصر
۱۴۸	همراهان
۱۵۱	پایان راه
۱۷۱	دستاورد های این فصل
۱۷۹	فصل سوم: مدفن اشتر در بعلبک
۱۷۹	پیشگفتار توصیفی روشمند

۱۸۵ بررسی متون

۲۰۱ پایان سخن

۲۰۵ فهرست منابع

www.ketab.ir

سخن مترجم

انسان برای رسیدن به کمال و فتح قله‌های معرفت و پیشرفت در هر عرصه‌ای، به ویژه در عرصه خداشناسی و ولایت‌مداری، به آموختن و الگو گرفتن نیاز دارد. هریک از ما بنا به اقتضای ذات و فطرت منان برای موفقیت در زندگی، کسب محبوبیت در جامعه و جلب توجه دیگران می‌کوشیم از یک شخصیت معروف و سرآمد در یک رشته تقلید کنیم و او را الگوی خویش قرار دهیم؛ همانند او بیندیشیم، همانند او سخن بگوییم، همانند او رفتار کنیم و حتی همانند او ظاهر خویش را بیاراییم. همان‌گونه که الگوبری در موضوع‌های مادی اهمیت دارد؛ برای مثال یک خیاط برای دوختن لباس زیبا و موردپسند جامعه نیاز به الگوها و سبک‌های زیبا دارد، در موضوع‌های معنوی، فرهنگی و اعتقادی نیز همین‌گونه است.

هر انسان خداجو و متدین، باید در آغاز بیندیشد و تصمیم بگیرد که در مسائل اعتقادی و فرهنگی از چه کسی الگو بگیرد و پیروی کند، به ویژه جوانان شیعی در دنیای آکنده از آشوب و فتنه امروز باید بیندیشند که از نظر اعتقادی و فرهنگی به طور خاص و در مسائل زندگی به طور عام از چه کسی الگو بگیرند؟ آیا برای یک جوان شیعی شایسته است که در مسائل اعتقادی و فرهنگی از فلان به اصطلاح متفکر غربی و درمُد لباس و اصلاح مواز یک هنرپیشه غربی الگو بگیرد؟

جوانان شیعی باید بیندیشند که ما شیعه اهل بیت علیهم‌السلام هستیم و آنان و یاران خاص ایشان برای ما بهترین الگو در زندگی اند و ما باید اعتقاد و

فرهنگ و اخلاق مان را از آنان برگیریم که اگر آنان را الگو قرار دهیم و از ایشان پیروی کنیم، محبوب خدا خواهیم بود.

یکی از بهترین الگوها در این زمان پر آشوب و فتنه برای جوانان شیعی، تابعی جلیل القدر و یار اخلاصمند امام علی علیه السلام مالک اشتر نخعی است. مالک جوانی یمنی است که برای رسیدن به کمال و پیوستن به دین اسلام، سرزمین و کاشانه اش را ترک می کند و با دیگر هموطنان خود به مدینه می آید و از آنجا به شام می رود و پس از مدتی به کوفه هجرت می کند و سرانجام با ورود امام علی علیه السلام به کوفه که این شهر به مرکز حکومت اسلامی آن روز تبدیل می گردد، وی از یاران اخلاصمند و باوفای امام علی علیه السلام می شود. او در روزگاری زندگی می کند که آن را زمان «فتنه بزرگ» می نامند.

مالک اشتر اما از پدید آمدنندگان حوادث بزرگ سیاسی و اجتماعی کوفه به شمار می رود. او کسی است که بر طبق اصول اعتقادی خویش تسلیم فتنه نمی شود بلکه برای اصلاح مسیر امت اسلامی و حمایت از حقوق مستضعفان عمل می کند و با سردمداران فتنه و بزرگ می ستیزد و به ریسمان ولایت که به آن ایمان آورده چنگ می زند.

مترجم با هدف آشنا کردن خوانندگان فارسی زبان، به ویژه جوانان شیعی با سیره مالک اشتر کتاب حاضر، *سیره مالک اشتر* را به فارسی برگردانده و امیدوار است خوانندگان با آگاهی از زندگی و سیره آن بزرگ مرد تاریخ، او را الگوی خود قرار دهند و به ریسمان محکم ولایت علوی چنگ درزنند.

مشهد مقدس، بنیاد پژوهش های اسلامی استان قدس رضوی

۹۳/۷/۱۷

موسی دانش

پیشگفتار مؤلف

این کتاب، دو واقعه را بررسی می‌کند. اگر بگوییم این دو واقعه، تاریخ زنده و پرجنب و جوش ماست که به طور ژرف در دوران کنونی، ویژگی‌ها، موج‌ها و رویدادهای آن کاشته شده است، درست گفته‌ای و اگر بگوییم این دو واقعه، جزء تاریخ مجهول و ناشناخته ماست، باز هم راست گفته‌ای. هر چند که میان این دو توصیف از نظر ظاهری، ناسازگاری وجود دارد. زیرا آنچه معمول است و سرشت کارها آن را ایجاب می‌کند، آن است که تاریخ با توجه به انگیزه‌ها و آثارش زنده و مورد توجه اهلس است و به همین دلیل، مجهول و ناشناخته نیست. این، سخنی است درست، لیکن در غیرتاریخ ما که می‌توانی آن را به هر چیزی توصیف کنی، جز به تاریخ حقیقی؛ به این معنا که این تاریخ در حوزه‌ای که برایش اهمیت دارد، تصویری راستین از عملکرد بشری را با اشکال گونه‌گون آن ارائه می‌دهد و

همگام با زمان حرکت می‌کند، به گونه‌ای که خواننده باهوش می‌تواند به هر دلیلی روی پیشرفت‌ها، پسرفت‌ها یا شکست آن انگشت بگذارد. حقیقت آن است که تاریخ ما تاریخی است تجزیه شده و دروغین، زیرا با اندیشه اقتدارگرایی نگاشته شده است و موقعیت قلم و مهارتش را در خدمت قرار داده که زمام امور را - در هر مقام و موقعیتی - در دست گرفته‌اند و با چشمان بسته به انواع فعالیت‌های بشری - خواه فردی و خواه اجتماعی - نگریسته است و تنها مسائلی را مورد توجه قرار داده که با شئون فرمانروا و عملکردهای او مرتبط بوده است. در حالی که تاریخ حقیقی تجزیه پذیر و تقسیم شدنی نیست زیرا باید با نگرشی فراگیر به همه تاریخ نگریست و یا آن را رها کرد.

دو واقعه‌ای که در این کتاب بررسی می‌شود، از این قرار است:

واقعه نخست سیره پربار مالک بن حارث اشتر یکی از بزرگ‌ترین گردانندگان رویدادها در دوران انقلاب است. برجسته‌ترین این رویدادها عبارت‌اند از: کشته شدن عثمان، به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام و کودتای قریش برضد او. این دوره سخت به دلیل اینکه رویدادهای بزرگی در آن به وقوع پیوست، غربالی بود که مردان راستگو، پایدار و با اخلاص را از مردان دروغگو، ناپایدار و ناخالص جدا کرد. همچنین، این دوران شرایط را برای پرورش گروهی از مردان به وجود آورد که با پا گذاشتن به عرصه این رویدادها از ایمان و منافع

خود دفاع کردند. مالک اشتر از بزرگ‌ترین، دلاورترین، زیرک‌ترین و حماسه‌سازترین این افراد بود که به یاری حق و راه درستی که به آن ایمان داشت، پرداخت.

واقعهٔ دوم معمای قتل یا ترور او و به بیانی بهتر مبهم بودن شهادت او و مخفی ماندن آرامگاه اوست. بی‌گمان او به مرگ طبیعی از دنیا نرفته، بلکه کشته شده است؛ اما چگونه، کجا و کی؟

این موضوعی است که ما از آن آگاهی نداریم، یا دست‌کم چیزی نیست که بتوان به آن اطمینان پیدا کرد، بلکه آنچه به ما رسیده و با پاسخ این پرسش‌ها ارتباط دارد، نشان می‌دهد که این واقعه یک عملیات از پیش برنامه‌ریزی شده بوده، آن هم پس از آمادگی طولانی و مراقبت دقیق. این واقعه یک بهره‌برداری سیاسی بوده که برای قاتل مالک، از دوگانه یا چند جنبه منفعت داشته است:

از یک سو، وی از دست دشمن خود رهایی می‌یابد و در عین حال، واقعهٔ قتل را در حاشیهٔ جنگ سیاسی و نظامی، برای جنگ روانی به‌کار می‌گیرد و به همین دلیل، جبههٔ خود را استحکام می‌بخشد و جبههٔ مقابل را تضعیف می‌کند و با این کار با یک تیر چند نشان را می‌زند. در توطئه‌های بزرگ و پیچیدهٔ سیاسی و نظیر این، مسئله‌های فراوانی به چشم می‌خورد.

چرا این کتاب؟

وقتی نویسنده تلاش خود را در یک موضوع مشخص می‌کند، پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد و رویدادها را تحلیل می‌نماید و اطلاعات را درهم می‌آمیزد. او در واقع با دغدغه‌ی درونی و ذاتی خویش تعامل برقرار می‌کند تا بیانش را در موضوعی که می‌خواهد آن را بنویسد به کار بگیرد.

مالک اشتر به سبب اینکه در دو دهه از تاریخ نقش فعالی داشته - بی تردید، این دو دهه پس از بعثت نبوی بیشترین تاثیر را در تاریخ همه ملت‌های اسلامی گذاشته است - موضوعی بسیار عالی برای پژوهش به شمار می‌رود. از آنجا که کتاب تاریخی از ارائه تصویری بی طرف و فراگیر ناتوان است؛ سیره شخصیت‌های سترگ، منبعی غنی است تا بخشی از ناتوانی متن دشوار تاریخی را جبران کند. متنی که از پاسخ‌گویی به پرسش‌های یک خواننده منتقد ناتوان است و سیره مالک نمونه‌ای روشن از این گونه سیره‌هاست.

وانگهی سیره مالک برای خواننده، نمونه حقیقی یک مبارز نستوه را ارائه می‌کند که زندگی‌اش را فدای مسئله‌ای کرده که به آن ایمان آورده و در راه آن به شهادت رسیده است. او نه ایمانش را تغییر داده و نه از خود، ضعف و سستی نشان داده است. وظیفه یک تاریخ‌نگار وابسته به باور من، ممکن نیست یک تاریخ‌نگار، به حق تاریخ‌نگار باشد، ولی به تاریخی که آن را می‌نویسد وابسته نباشد - آن است که سیره قهرمانان تاریخ را در عرصه‌های گوناگون زنده کند و نام و یاد

آنان را بالا ببرد و آنان را به گونه‌ای به نسل‌ها عرضه کند که شایستگی الگو بودن و رهبری رهپویان را داشته باشند. باید در اینجا بیندیشیم که بخش بزرگی از موجودیت و هویت ما در رویدادهای تاریخ پرورش می‌یابد و رشد می‌کند.

وانگهی در اینجا، بخشی از سیرهٔ مالک چنان‌که باید مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته و آن داستان روزهای واپسین عمر، شهادت و آرامگاه اوست.

نیاز به توضیح ندارد که علت کوتاهی در این باره، از یک سو پیچیدگی فراگیری است که رویدادهای آخرین بخش زندگی پربار او را در بر گرفته از سوی دیگر، اعمال سیاست‌برگزارش‌هایی است که دربارهٔ او داده شده است. برخی از دوستان مالک از این پیچیدگی بهره‌برداری نابجا کرده و بر این پندارند که مالک در مصر دو قبر دارد. یکی از این دو قبر در همین اواخر، با عنایت اسماعیلیان بُهره در نزدیکی شهر خانکه ساخته شد. اما قبر دوم در جایی قرار دارد که در گذشته، شهر قلئزم در کنارهٔ دریای سرخ قرار داشت. دربارهٔ این دو قبر موهوم، هیچ سند تاریخی که قابل ذکر باشد وجود ندارد، به ویژه در کتاب‌هایی که به این گونه آثار تاریخی می‌پردازند، در حالی که قبر مالک در بعلبک، شناخته شده و تا سدهٔ هشتم هجری / چهاردهم میلادی مقصد زائران بوده است و نسبت این قبر به مالک، تنها به سبب فرود آمدن بلاهای پی‌در پی بر سر این شهر، به فراموشی سپرده

شد. با وجود این، قبر او در میان عموم مردم محلی بعلبک به قبر «سیدی مالک» معروف است.

بنابراین این کتاب در پی سه هدف است:

نخست: به‌کارگیری سیره، آن هم با این ویژگی که یکی از هنرهای نگارش تاریخی، برملا کردن پیچیدگی‌های تاریخ رویدادها و حکومت‌ها و همچنین بستن شکاف‌های بزرگی است که تاریخ همواره آن‌ها را دریافتن متن آشفته خود بر جای می‌گذارد.

دوم: این کتاب می‌خواهد اندیشه خواننده را با زنده کردن تجدید یاد قهرمانان تاریخی که دارای اثر مثبت در تاریخ اوست بسازد و پیش‌تر گفتیم که این هدف از مهم‌ترین اهداف پژوهشگر به‌شمار می‌رود.

سوم: تحقیق درباره جایگاه مرفد مالک اشتر است، به ویژه اینکه می‌بینیم، تحقیق علمی و کاملی در این موضوع انجام نگرفته است. از چیزهایی که نیاز به گفتن ندارد، آن است که بیان جایگاه حقیقی قبر اشتر و شناساندن آن به گونه‌ای که در خور صاحب این قبر باشد، در دومین هدف از اهداف سه‌گانه یادشده مندرج است.

از اینجا خواننده می‌تواند پی ببرد که کار ما در این کتاب، بر محور دو موضوع می‌چرخد: نخست: نگارش کامل‌ترین راست‌ترین و صحیح‌ترین سیره برای مالک اشتر؛ و این هدفی است که رسیدن به آن آسان نخواهد بود، چه او مردی است که در قلب رویدادها زیسته،

و اثرگذار بوده است، رویدادهایی که پیامدها و آثار آن همچنان تا امروز ادامه دارد. چنین شخصیتی امکان ندارد که سیره اش بر طبق اهداف این یا آن گروه، دستخوش تغییر و دگرگونی قرار نگیرد و همین امر است که وظیفه نویسنده سیره این شخصیت را به مراتب بیش از آنچه انتظار می رود، دشوار می سازد. به همین دلیل، نویسنده در تعامل با متونی که با یکدیگر ناسازگاری دارند، باید همواره هشیار باشد، در حالی که جز حس تاریخی اش، هیچ ابزاری برای نقد در دست ندارد و این حس به شناخت دقیق او از گرایش های آن دوران بستگی دارد.

دوم: کشف معمای مرگ و محل دفن مالک. این مطلبی است که اگر از موضوع نخست دشوارتر نباشد، آسان تر نیست؛ چه آخرین ثبت مستقیمی که از سیره او انجام شده، در روزی بوده که وی کوفه را ترک کرده و روانه مصر شده است و منبع رویدادهای پس از این زمان، تنها سخنان قاتلان او درباره مکان و چگونگی به شهادت رساندن اوست. در همه این سخنان، واقعه ای که به طور اجمال ثابت و جزئیات آن ناپیداست تحت تأثیر سیاست قرار گرفته است و به همین دلیل ما به بررسی سخنان آنان خواهیم پرداخت تا حقیقت نهفته در ورای این سخنان را بشناسیم.

طرح نویسنده آن است که برداشت خویش را از آن دوران مقطعی و ملتهب از لابه لای سیره یکی از قهرمانان و سازندگان رویدادهای آن دوره عرضه بدارد و تمامی اطلاعاتی را که به گونه ای با سیره مالک پیوند دارد و گردآوری کرده است، پیش روی خود بگذارد و سپس از آن ها برای تحلیل آن دوران استفاده کند. همچنین هدف دوری را پیش چشم خود قرار دهد و آن اینکه به خواننده کمک کند تا وضعیت کنونی را در جای درست خود بگذارد و فرایند تاریخی را با برداشت آگاهانه از تاریخ، درک کند تا با نگاهی راستین به مشکلاتی بنگرد که اکنون را آشفته و از اندیشه های ما برای بهتر بودن جلوگیری می کند؛ زیرا شناخت اینکه پیشینیان ما در گذشته چگونه رفتار کرده اند، کجا در حق ما دچار اشتباه شده اند و ما بر اثر خطاهای آنان، چه زیان هایی دیده ایم، موجب می شود که چشمان مان بر حقایقی باز شود که مورد توجه ما نبوده و یا دیدگاه های نادرستی که گمان می کردیم درست است و شاید این موضوع به ما کمک کند که از تکرار خطاهای آنان بپرهیزیم.

اما درباره منابع این کتاب باید گفت: منبعی وجود ندارد که سهم برجسته‌ای در ساختن کتاب داشته باشد و توجه ویژه‌ای به آن شده باشد؛ چه اخبار مالک در کتاب‌های فتوحات اسلامی، با این ویژگی او که یکی از قهرمانان این جنگ‌هاست پراکنده است. نیز در کتاب‌های تاریخ، به سبب اینکه وی یکی از برجسته‌ترین حادثه‌آفرینان در زمان فتنه‌ای است که با قیام فراگیر بر ضد عثمان آغاز گردید از او یاد شده و در کتاب‌های راویان حدیث ذکر او آمده است زیرا وی یکی از راویان حدیث است. حتی خبرهای مالک در کتاب‌های اخبار شاعران نیز به طور پراکنده آمده زیرا او شعر نیز می‌گفته است. با وجود این ناگزیریم به شرح حال گسترده‌ای از او که ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق آورده است توجه کنیم، به ویژه اینکه این شرح حال مبتنی بر اسناد است و به پژوهشگر کمک می‌کند که آن را در ساختار موضوع خویش به کار گیرد. نیز باید به اطلاعات ارزنده‌ای که درباره آرامگاه مالک وجود دارد توجه ویژه‌ای بکنیم. ما این اطلاعات را از کتاب‌های مربوط به بلدان و منازعات به دست آورده‌ایم. من اعتماد فراوان خود به این دست کتاب‌ها را پنهان نمی‌کنم، زیرا این کتاب‌ها همواره ماده تاریخی توصیفی را در خود جای می‌دهند نه حوادث را و به همین دلیل تا حدودی بی‌طرفانه است.

والحمد لله